

خاندان حضرت عباس (ع)

در سال 26 هجری قمری، حضرت عباس (ع) پایه عرصه گیتی نهاد. مادر گرامیش فاطمه، دخت حزام بن خالد بن ربیعہ بن عامر کلیبی و کنیه اش (ام البنین) بود...

در سال 26 هجری قمری، حضرت عباس (ع) پایه عرصه گیتی نهاد. مادر گرامیش فاطمه، دخت حزام بن خالد بن ربیعہ بن عامر کلیبی و کنیه اش (ام البنین) بود. چند سال پس از شهادت حضرت فاطمه (س) بود، که امیرالمومنین از برادرش عقیل، که به اصل و نسب قبایل آگاه بود، درخواست کرد زنی را از دودمانی شجاع برای او خواستگاری کند و عقیل، فاطمه کلایبه (ام البنین) را برای آن حضرت خواستگاری کرد و ازدواج صورت گرفت. امیرالمومنین (ع) از این بانوی گرامی، صاحب چهار پسر به نامهای عباس، عثمان، جعفر و عبدالله شد. عباس (ع) از برادران دیکرش بزرگتر بود و هر چهار برادر به امام خویش، حسین (ع) وفادار بودند و در روز عاشورا در راه آن امام جان خود را نثار کردند. ارادت قلبی ام البنین (س) به خاندان پیامبر (ص) آنقدر بود که امام حسین (ع) را از فرزندان خود بیشتر دوست می داشت؛ بطوری که وقتی به این بانوی گرامی خبر شهادت چهار فرزندش را دادند فرمود: مرا از حال حسین (ع) باخبر سازید و چون خبر شهادت امام حسین (ع) به او داده شد، فرمود رگهای قلم گسسته شد، اولادم و هر چه زیر این آسمان کبود است، فدای امام حسین (ع).

دوران کودکی حضرت ابوالفضل العباس (ع): در روزهای کودکی عباس، پدر گرانقدرش چون آینه معرفت، ایمان، دانایی و کمال در مقابل او قرار داشت و گفتار الهی و رفتار آسمانی اش بر وی تاثیر می نهاد. او از دانش و بینش علی (ع) بهره می برد. حضرت در باره تکامل و پویایی فرزندش فرمود: ان ولدی العباس زق العلم زقا؛ همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر، که از مادرش آب و غذا می گیرد، از من معارف فرا گرفت. در آغازین روزهایی که الفاظ بر زبان وی جاری شد، امام (ع) به فرزندش فرمود: بگو يك، عباس گفت: يك حضرت ادامه داد: بگو دو عباس خودداری کرد و گفت: شرم می کنم با زبانی که خدا را به یگانگی خوانده ام، دو بگویم.

پرورش در آغوش امامت و دامن عصمت، شالوده ای پاک و مبارک برای ایام نوجوانی و جوانی عباس فراهم کرد تا در آینده نخل بلند قامت استقامت و سنگربان حماسه و مردانگی باشد. گاه که علی (ع) با نگاه بصیرت آمیز خود آینده عباس را نظاره می کرد، با لیختی رضایت آمیز، سرشک غم از دیدگان جاری می کرد و چون همسر مهربانش از علت گریه می پرسید، می فرمود: دستان عباس در راه باری حسین (ع) قطع خواهد شد. نگاه از مقام و عظمت پور دل بندش نزد خداوند چنین خبر می داد: پروردگار متعال دو بال به او خواهد داد تا به سان عمویش جعفر بن ابیطالب در بهشت پرواز کند. محبت پدری گاه علی (ع) را بر آن می داشت تا پاره پیکرش را بیوسد، بیوید و با آداب و اخلاق اسلامی آشنا سازد. از اینرو لحظه ای عباس را از خود دور نمی ساخت. فرزند پاکدل علی (ع) در مدت 14 سال و چهل و هفت روز، که با پدر زیست، همیشه در حرب و محراب و غربت و وطن در کنار او حضور داشت. در ایام دشوار خلافت، لحظه ای از وی جدا نشد و آنگاه که در سال 37 هجری قمری جنگ صفین پیش آمد، با آن که حدود دوازده سال داشت، حماسه ای جاوید آفرید.

مقام علمی حضرت عباس (ع): حضرت عباس (ع) در خانه ای زاده شد که جایگاه دانش و حکمت بود. آن جناب از محضر امیرمومنان (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) کسب فیض کردند و از مقام والای علمی برخوردار شدند. لذا از خاندان عصمت (ع) در مورد حضرت عباس (ع) نقل شده است که فرموده اند: زق العلم زقا، یعنی همان طور که پرند به جوجه خود مستقیماً غذا می دهد، اهل بیت (ع) نیز مستقیماً به آن حضرت علوم و اسرار را آموختند. علامه محقق، شیخ عبدالله ممقانی، در کتاب نفیس تنقیح المقال، در مورد مقام علمی و معنوی ایشان گفته است: آن جناب از فرزندان فقیه و دانشمندان ائمه (ع) و شخصیتی عادل، مورد اعتماد، با تقوا و پاک بود.

مقام حضرت عباس (ع) نزد ائمه (ع): اگر بخواهیم مقام و منزلت حضرت عباس (ع) را از دیدگاه امامان معصوم (ع) دریابیم، کافی است به سخنان آن بزرگوار درباره حضرت عباس (ع) توجه کنیم.

در شب عاشورا، وقتی دشمن در مقابل کاروان امام حسین (ع) حاضر شد و درراس آنها عمرین سعد شروع به داد و فریاد کرد، امام حسین (ع) به حضرت عباس (ع) فرمود: برادر جان، جانم به فدایت، سوار مرکب شو و نزد این قوم برو و از ایشان سوال کن که به چه منظور آمده اند و چه می خواهند.

در این ماجرا دو نکته مهم وجود دارد یکی آنکه امام به حضرت عباس می فرماید: من فدایت شوم. این عبارت دلالت بر عظمت شخصیت عباس (ع) دارد، زیرا امام معصوم العیاذ بالله سخنی بی مورد و گزاف نمی گوید و نکته دوم آنکه، حضرت به عنوان نماینده خود عباس (ع) را به اردوی دشمن می فرستد.

روز عاشورا هنگامی که حضرت عباس (ع) از اسب بر روی زمین افتاد، امام حسین (ع) فرمودند: (الان انکسر ظهري و قلت حیاتی) یعنی (اکنون پشتم شکست و چاره ام کم شد). این جمله بیانگر اهمیت حضرت عباس (ع) و نقش او در پشتیبانی از امام حسین (ع) است.

امام زمان (ع)، در قسمتی از زیارتنامه ای که برای شهدای کربلا ایراد کردند، حضرت عباس (ع) را چنین مورد خطاب قرار می

دهند: السلام علي ابي الفضل العباس بن اميرالمومنين المواسي اخاه بنفسه، الاخذ لغده من امسه، الفادي له، الوافي الساعي اليه بمائه، المقطوعه بدها لعن الله قاتله يزيد بن الرقاد الجهني و حكيم بن طفيل الطائي.

امام زين العابدين (ع) به عبدالله بن عباس بن علي بن ابي طالب (ع) نظر افكند و آشكش جاري شد. سپس فرمود: هيچ روزي بر رسول خدا (ع) سخت تر از روز جنگ احد نبود، زيرا در آن روز عموي پيامبر، شير خدا و رسولش حمزه بن عبدالمطلب كشته شد و بعد از آن روز بر پيامبر هيچ روزي سخت از روز جنگ موته نبود، زيرا در آن روز پسر عموي پيامبر جعفر بن ابي طالب كشته شد سپس امام زين العابدين (ع) فرمود: هيچ روزي همچون روز مصيبت حضرت امام حسين (ع) نيست كه سي هزار تن در مقابل امام حسين (ع) ايستادند و مي پنداشتند، كه از امت اسلام هستند و هر يك از آنها مي خواستند از طريق ريختن خون امام حسين (ع) به نزد پروردگار مي انداخت و ايشان را موعظه مي فرمود و كار را تا آنجا كشاندند كه آن حضرت را از روي ظلم و جور و دشمني به شهادت رساندند. نگاه امام زين العابدين (ع) فرمود: خداوند حضرت عباس (ع) را رحمت كند كه به حق ايثار كرد و امتحان شد و جان خود را فدای برادرش كرد تا آنكه دو دستش قطع شد. لذا خداوند عزوجل در عوض، دو بال به او عطا كرد تا همراه ملائكه در بهشت پرواز كند، همان طور كه به جعفر بن ابي طالب (ع) هم دو بال عطا فرمود و به تحقيق، حضرت عباس (ع) نزد پروردگار مقام و منزلتي دارد كه روز قيامت همه شهدا به آن مقام و منزلت غبطه مي خورند.

ايثار و جانبازي، راز و رمز تعالي حضرت عباس (ع):

با توجه به رواياتي كه در شان حضرت عباس (ع) از ائمه عليهم السلام رسیده و در آن به ايثار و فداكاري در راه امام خویش تصريح شده است، به روشني، فضيلت و مقام آن بزرگوار آشكار مي شود. حضرت عباس (ع) فرزند كسي است كه آيه (و من الناس يشرى نفسه بنفسه ابتغاء مرضات الله، بقره-207) در شان نازل شد و از سلاله دودماني است كه اسوه ايثار و از خودگذشتگي بودند و سوره هل اتي، در شان ايثار ايشان نازل شده است.

فداكاري، ايثار و جانبازي در اسلام و مكتب اهل بيت عليهم السلام از جايگاه ويژه اي برخوردار است؛ به طوري كه اميرمومنان در جايي ايثار را برترين فضيلت اخلاقي مي داند.

در جايي ديگر، علي (ع) ايثار را بالاترين عبادت معرفي مي نمايد و در روايتي ديگر غايت و هدف تمام مكارم اخلاقي را ايثار و از خودگذشتگي مي داند.

علي (ع) در قسمتي از نامه خود به حارث همداني مي فرمايد: بدان كه برترين مومنان كسي است كه در گذشتن از جان و خانواده و مال خویش از ديگر مومنان برتر باشد.

حال در اینجا این سوال مطرح مي شود كه، مگر ساير شهيدان از جان خود نگذشتند، پس چه چيزي حضرت عباس را از ساير شهيدان متمايز مي سازد؟

جواب اين است كه معرفت حضرت عباس (ع) از همه شهيدان والاتر و اطاعتش از امام خویش، كاملتر بود. براساس دیدگاه اسلام و مكتب اهل بيت (ع) آنچه اعمال نيك را از يكديگر متمايز مي سازد و ارزش اعمال را متفاوت مي كند، همان معرفت و بينش و نيت شخص است و كلام پيامبر اسلام (ص) كه فرمود:

(ضربه علي يوم الخندق افضل من عباده الثقلين) شايد ناظر به اين معنا باشد.

در ضمن رواياتي كه در مورد ثواب و عقاب عمل به صورتهاي گوناگون و متفاوت نقل شده، به اين دليل است كه ثواب يا عذاب يك عمل معين، با توجه به معرفت و نيت عامل آن متفاوت مي شود. به عنوان مثال، ثواب زيارت امام رضا (ع) در روايتهاي معتبر به صور متفاوت نقل شده است و در بعضي روايات تصريح شده كه اين تفاوت ثواب، به دليل تفاوت در معرفت اشخاص است.

آري حضرت عباس (ع) با كمال معرفت در راه دين و امام خویش جانبازي نمود و مراحل كمال و تعالي را طي كرد.

القاب تابناك حضرت ابوالفضل العباس (ع)

1. قمر بني هاشم
2. بهره مندی بسیار عباس از جمال و جلال و سيماي سپيد و زيبا و سيرت سبز و نورانی، زمينه ساز اين لقب است.
3. باب الحوائج
4. كريمي از دودمان كريمان كه چون حاجتمندی سوي او روي كند، خواسته هایش را برآورده می سازد.
5. طيار
6. بيانگر مقام و عظمت حضرت عباس(ع) در فضای عالم قدس و بهشت جاودان است.
7. الشهيد
8. شهادت، كه نشان نمايان ابوالفضل(ع) است و در چهره حيات او درخشندگی بسیار دارد، زمينه ساز اين لقب است
9. سقا
10. دلاوری عباس در صحنه های حيرت آور آب رسانی به تشنگان، سبب اين لقب شد.
11. عبد صالح
12. لقبی كه حضرت صادق(ع) در زيارت عموي گرانقدرش بدان اشاره دارد:
13. السلام عليك ايها العبد الصالح.» سلام بر تو، ای بنده صالح خدا.
14. سپه سالار
15. صاحب لواء يا سپه سالار لقب بزرگترين شخصيت نظامی است و عباس در روز عاشورا اين لقب را از آن خود ساخت.
16. پرچمدار و علمدار
17. يادآور دلاوی و حفظ لشكر در برابر دشمن است. علمداری عباس(ع) اين لقب را براييش به ارمغان آورد.
18. ابوقربه (صاحب مشك)، عميد (ياور دين خدا)، سفير (نماينده حجت خدا)، صابر (شكيبا)، محتسب (به حساب خدا گذارنده تلاشها)، مواسی (جانباز و مدافع حق)، مستعجل (تلاشگری مهربان در برآوردن حاجات ديگران) و ... از ديگر لقبهای ابوالفضل است.